ضرورت شعار «مرگ بر اسرائیل»

«من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب [اسرائیل] و حامیان آن به‌هم بپیوندند و جمیع مسلمین جهان را دعوت می‌کنم که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد را به‌عنوان روز قدس اعلام نمایند.»

جملات فوق بخشی از سخنان تاریخی حضرت امام(ره) است که سرآغاز جنبشی جهانی؛ علیه رژیم صهیونیستی بود و تا به امروز نیز افراد زیادی از سراسر جهان به این ندای معمار کبیر انقلاب، لبیک گفته و در این روز مقدس، با راهپیمایی‌های گسترده؛ انزجار و تنفر خود را از اقدامات و جنایات ددمنشانه این رژیم منحوس اعلام می‌نمایند.

اما جای شگفتی بسیار است که برخی افراد در داخل کشور، سعی در القای شک و تردید در این موضوع اساسی جهان اسلام را داشته و با طرح شبهاتی نامربوط و بی‌اساس می‌کوشند، اذهان جامعه مسلمان ایران را از این مسأله مهم دور سازند.

نمونه بارز و عینی این امر، در راهپیمایی روز قدس سال ۸۸ کاملاً مشهود بود که عده‌ای با سخنان و شعارهای نابهنجار و تفرقه برانگیز خود، سعی در کم اهمیت؛ یا بطورکلی بی‌اهمیت جلوه دادن موضوع فلسطین در نزد افکار عمومی کشور را داشته و با سردادن شعارهایی هم چون «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران!»؛ نه تنها دل مردم مسلمان کشورمان، بلکه دل هر آزاده‌ای که از دیدن عذاب فلسطینیان رنج می‌کشد را نیز به درد آوردند!

اولین سؤال اساسی که در این مورد به ذهن خطور می‌کند این است که؛ چگونه ممکن است در کشوری که داعیه حمایت از فلسطین را داشته و خود را از پیشگامان در این عرصه می‌داند، چنین اقدامات ضدارزشی رخ دهد؟!

شاید برخی افراد بگویند که این افراد هنجارشکن، عده‌ای قلیل بوده و محل از اعراب و اعتنا را بر نخواهند انگیخت، اما همین تعداد اندک نیز ممکن است با بسط و القای تفکرات التقاطی خود، اذهان مردم بالاخص جوانان را تخریب نموده و از آنها در جهت اهداف شوم خود سوءاستفاده نمایند.

پس همین امر نیز وظیفه ما در برابر این تفکر انحرافی را مضاعف می‌کند که با تبیین و تشریح صحیح مسائل و بالابردن سطح آگاهی همگان در موضوع فلسطین، درجهت مقابله با آن برآییم.

شاید بسیار شنیده باشید سؤالاتی هم چون:

– موضوع فلسطین به ما چه ارتباطی دارد؟

– چرا با وجود تمامی گرفتاری‌ها و مشکلات داخلی بازهم باید به فکر مسأله فلسطین باشیم؟

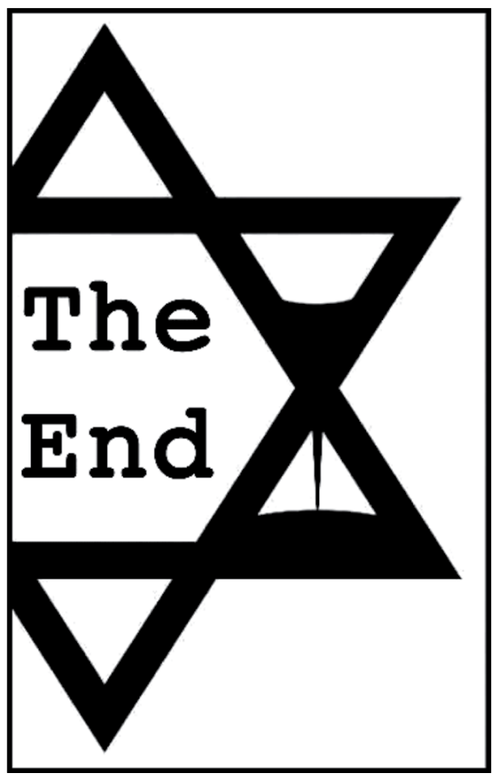

*** زمانی که ما در ایران اسلامی‌مان، مواردی چون روز قدس سال ۸۸ را مشاهده می‌کنیم با اندکی تأمل درمی‌یابیم که در جنگ نرم کنونی، پاسخ «تک» رسانه‌ای دشمن را با «پاتک» افزایش آگاهی عموم درباره وجوب دفاع از مقاومت مردم مظلوم فلسطین؛ نداده‌ایم.**

و... سؤالاتی از این دست؛ که در این نوشتار سعی در پاسخ‌گویی مناسب و دقیق به این شبهات کاذب و سؤالات غیر واقعی را داریم:

۱- ما به‌عنوان یک مسلمان وظیفه داریم از هم‌کیشان و هم‌مذهبان خود در مقابل دشمنان مشترک، دفاع نماییم. در این مورد چه در کتاب‌الله و چه در فرموده های پیامبر اکرم(ص) و اهل‌بیت(ع)، تأکید و سفارش فراوان شده است.

دین اسلام، دین رحمت و عطوفت و حمایت بین دوستان است و گرایش‌های قومی و نژادی و گروهی درآن راه ندارد.

در قرآن کریم آمده است: «محمّد رسول الله الذین معه اشداء علی الکفّار رحماء بینهم/(فتح/۲۹)» که این آیه اشاره مستدل و مستقیم بر وحدت و یکپارچگی و مهربانی با هم مسلکان و برخورد شدید و قاطع با کفار و ظالمان داشته و دارد که مصداق عینی "الکفّار" در جهان امروزی آمریکا و اسرائیل غاصبند.

۲- هویت ملّی ایرانیان در تضاد آشکار با موجودیت اسرائیلیان قرار دارد به‌طوری‌که هیچ وجه اشتراکی فی‌مابین ما و آنها وجود نداشته و ندارد.

عقاید، افکار، آداب، سنن، اندیشه، اعتقادات، نگرش و در یک کلام منافع ایران و اسرائیل در برابر هم قرار دارند که این امر نیز لزوم مبارزه با ایشان را دوچندان می‌کند.

به‌عنوان مثال؛ ترویج ایران هراسی و نشان دادن چهره‌ای موحش از ایران و ایرانی در افکار عمومی بین‌الملل؛ ترور ناجوانمردانه دانشمندان هسته‌ای جمهوری اسلامی؛ تجهیز و تعلیم گروهک‌های ضدانقلاب در جهت اقدامات خرابکارانه در ایران؛ قربانی کردن هموطنان بی‌گناه و همچنین حمایت بی‌قید و شرط از فرقه‌ها، گروهک‌ها و سازمان‌های معاند و مخالف با مردم و نظام اسلامی ایران؛ تنها گوشه‌ای از فعالیت‌های این رژیم در راستای ضدیّت با ملت و نظام جمهوری اسلامی است که می توان به آنها اشاره کرد.

عده‌ای در داخل کشور این شبهه را مطرح می‌کنند که مگر ما با اسرائیل مرز مشترک داشته یا در حال جنگ رودررو و مستقیم هستیم که در مواجهه با آن تا این حد شدت عمل به خرج می‌دهیم؟!

در پاسخ به این افراد نیز می‌بایست به چند نکته ضروری اشاره کرد.

احتمالاً این روزها در میان مردم و رسانه های گوناگون، واژه‌ای بنام "جنگ نرم" را زیاد شنیده باشید.

همان‌طور که از نام آن نیز پیداست؛ جنگ نرم، جنگی تن‌به‌تن و مستقیم، همانند جنگ‌های معمول نیست بلکه هدف از این نوع مقابله، ایجاد انحطاط فکری و عقیدتی در میان مردم هر کشوری، بوسیله رسانه‌های دیداری و شنیداری مهاجم، است.

حال می‌بایست این نکته را متذکر شد که هم اکنون ما در جنگ نرم مستقیم با آمریکا و اسرائیل و هم‌پیمانان آنها به‌سر می‌بریم که جنگی حتی سخت‌تر و فرسایشی‌تر از ۸ سال دفاع مقدس است.

از این روی باید با تمامی قوا و ابزارهای کارآمد موجود در مقابل این هجمه نرم ایستادگی کرد چراکه هم اکنون بنی‌اسرائیل پس از قطع امید از تسخیر «ارض نیل تا فرات» به تسخیر «قلوب اهالی نیل تا فرات» روی آورده است.

*** هم اکنون بنی‌اسرائیل پس از قطع امید از تسخیر «ارض نیل تا فرات» به تسخیر «قلوب اهالی نیل تا فرات» روی آورده است. غول‌های رسانه‌ای صهیونیست هم اینک تمام مساعی و تلاششان را به‌کار بسته‌اند تا با سوق دادن افکار عمومی به سمت و سوی مسائل فرعی و دست چندم، «ارزش‌ها را بی‌ارزش» و «آرمان‌ها را دست نیافتنی» جلوه دهند!**

غول‌های رسانه‌ای صهیونیست هم اینک تمام مساعی و تلاششان را بکار بسته‌اند تا با سوق دادن افکار عمومی به سمت و سوی مسائل فرعی و دست چندم، «ارزش‌ها را بی‌ارزش» و «آرمان‌ها را دست نیافتنی» جلوه دهند!

درست است که ما با اسرائیل مرز مشترک نداشته و ظاهراً از جانب این رژیم خطری را احساس نمی‌کنیم ولی واقعیت امر حاکی از تهاجم وسیع این رژیم به شکل نرم است.

زمانی که ما در ایران اسلامی‌مان، مواردی چون روز قدس سال ۸۸ را مشاهده می‌کنیم با اندکی تأمل درمی‌یابیم که در جنگ نرم کنونی، پاسخ «تک» رسانه‌ای دشمن را با «پاتک» افزایش آگاهی عموم درباره وجوب دفاع از مقاومت مردم مظلوم فلسطین؛ نداده‌ایم.

این امر مؤید آن است که دشمن صهیونیستی نه تنها تا لب مرزها بلکه تا درون خانه و خانواده و اذهان ما نیز پیشروی کرده و ما کماکان با موضع تساهل، تسامح به این قضایا می‌نگریم!

البته امروزه نمی‌توان گفت که ما با اسرائیل هم مرز نیستیم زیرا گزارش‌های موثق حکایت از ایجاد پایگاه‌ها و حضور نیروهای اسرائیلی در مرز مشترک ما با کشورهایی چون؛ جمهوری آذربایجان، ترکیه، منطقه خودمختار کردستان عراق و...، دارد!

به هرحال بحث و بررسی پیرامون ابعاد تهاجم دشمن صهیونیستی احتیاج به زمان و مجالی فراوان دارد اما این قبیل نوشتارها، تلنگری به من و شماست تا اندکی به فکر فرو رویم و بدانیم اسرائیل نه فقط غاصب سرزمین مسلمین فلسطینی، بلکه دشمن مشترک تمام مسلمانان عالم است و مطمئناً پس از فارغ شدن از موضوع فلسطین و براساس شعار کذایی؛ "از نیل تا فرات" آرام نخواهد نشست و لکه ننگ آن دامان تمامی بلاد اسلامی را خواهد آلود.

اکنون دشمنی با اسرائیل عین حمایت از منافع ایران اسلامی است. غرض آنکه با وجود تمام چندجبهگی موجود در نبرد با دشمن صهیونیستی نباید از اصل فارغ شد و می باید ریشه این شجره ملعونه را منقطع کرد. هم اینک شیشه عمر اُم‌الفساد خاورمیانه تَرَک برداشته و تنها تلنگری کوچک آن را خواهد شکست.

پس بیاییم پیش از علاج وقوع نامبارک سلطه این رژیم بر قدس شریف، با نمایش بصیرت و آگاهی خود در روز قدس ۹۳ و نشان دادن خشم و تنفر خود از این غاصبان صهیونیست، وارثی صالح برای نیاکان و پیشوایان ظلم ستیز خود باشیم.

*** محمد زندی / دانشجوی کارشناسی مهندسی**

پیرامون آزادی فلسطین و محو اسرائیل

استراتژی سطل آب!

گفتاری از «وحید جلیلی» (مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، سردبیر سابق مجله «سوره» و سردبیر کنونی نشریه «راه») درباره راه‌حل مسأله فلسطین و آزادی قدس شریف که پیشتر در جمع اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه صنعتی شریف ایراد گردیده است.

مسأله فلسطین در انقلاب اسلامی از همان سال ۵۷ مطرح بوده و از آرمان های مسلم به شمار می آمده. شاید اولین کسانی که بعد از انقلاب به ایران آمدند رهبران مبارزات فلسطین بودند؛ چهره های شناخته شده سازمان آزادی بخش مثل عرفات، ابوجهاد، ابوایاد و...، خیلی گرم در انقلاب اسلامی پذیرفته شدند.

در ابتدای نهضت هم، خود حضرت امام در سال ۴۱ بحث فلسطین را مطرح کردند. باز حتی دورتر برویم، در دهه ۲۰ فعالیت های شهید نواب صفوی و آیت الله کاشانی هم هست. یعنی طی یک جریان ممتدی در تاریخ انقلاب اسلامی و در تاریخ مبارزات دینی ایران به آرمان فلسطین توجه شده است.

جدای از آن باز بعد از انقلاب چند نقطه عطف وجود داشته؛ از خود انتفاضه اول و انتفاضه دوم بگیرید تا آخرینش که همین جنگ ۳۳ روزه بود. شروع انتفاضه اوّل در فلسطین یک پیوند جدی با انقلاب اسلامی دارد. در حج هایی که زمان امام(ره) برگزار می شد، یک راهپیمایی وحدت وجود داشت و یک راهپیمایی برائت. یک راهپیمایی در مدینه و یک راهپیمایی در مکّه. سال ۶۶ که دیگر تصمیم گرفتند این قضیه را جمع کنند، ایران ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر کشته داد و کلی زن و مرد آنجا شهید شدند. در بین تظاهرکنندگان چند فلسطینی بودند که به دست نیروهای عربستان شهید شدند. بعد وقتی که جنازه آنها در فلسطین تشییع شد، تشییع جنازه شان منجر به انتفاضه اول شد.

*** از هنرمندها، از رسانه ملی، از مدیران فرهنگی. مطالبه جدی کنید. چرا بیست سال است در جمهوری اسلامی فیلم راجع به فلسطین ساخته نشده؟! وزارت ارشاد چه کار می کند؟ سازمان فرهنگ و ارتباطات چه می کند؟ آقای مسئول! چکار کردی برای مسأله فلسطین؟!**

یعنی برای اولین بار، یک مدل حضورِ انفجاریِ دینیِ مردمی در انقلاب فلسطین تجربه شد درحالی‌که قبلاً گروه های چریکی عهده‌دار مبارزه در فلسطین بودند. این مدل انقلاب ایران را در فلسطین اسمش را گذاشتند انتفاضه، یعنی یک انقلاب انفجاری.

می خواهم بگویم انقلاب ایران و انقلاب فلسطین یک پیوندهای این طوری داشته اند. از اوّلین گروه هایی که کارهای جهادی اساسی را داخل فلسطین دومرتبه کلید زدند، همین جهاد اسلامی بود، که این حرکت ها تحت تاثیر انقلاب اسلامی بودند.

آقای فتحی شقاقی یک دانشجوی پزشکی بود در مصر که به خاطر هواداری از اندیشه های امام خمینی به زندان می افتد. مدتی در زندان های مصر حبس بوده و در آنجا مبانی ایدئولوژیکی اش را تقویت می کند. بعد می آید گروهی را تشکیل می دهد و خط مبارزه دینیِ اسلامیِ نابی در فلسطین شکل می گیرد. از آن طرف هم حزب‌الله لبنان را داریم که وضعیتش مشخص است و با اسرائیل درگیری می شود و نسبت آن هم با اندیشه های امام(ره) مشخص است. در هر صورت دیرینه ما و به اصطلاح سابقه فعالیت های ما در عرصه فلسطین مشخص است.

در هر کدام از این نقطه عطف ها، یک فضایی در ایران به وجود آمده. مثلاً در انتفاضه اول یا دوم یا جنگ ۳۳ روزه یک شور و هیجان و یک التهابی به وجود می آید و بعد از مدتی سرد می شود.

و باز از صفر شروع می کنیم، و چون می خواهیم هیجان خودمان را اقناع کنیم، می آییم دست به یک سری کارهایی می زنیم که باز اگر بخواهد تجربه دفعات پیش تکرار شود، دوباره افول خواهد کرد. پس نکته اول این است که بدانیم که از صفر نمی خواهیم شروع کنیم. باید بدانیم که اولین کار و ابتدایی ترین کاری که باید انجام دهیم، این است که یک آسیب شناسی از فضای ۲۰ یا۳۰ سال گذشته داشته باشیم.

ما در حوزه فلسطین باید بفهمیم که فضای جنگ چه نوع فضایی است.

این حوزه اتفاقاً حوزه ای است که همه می توانند در آن کار کنند.

*** اخیراً مطرح می کنند که فلسطینی‌ها سنّی‌اند که هیچ، وهابی‌اند که هیچ، ناصبی هم هستند! درحالی‌که طراح همین موشک های گردان های عزالدین قسام کسی به نام "محمد نضال فرحات" است که در وصیت نامه اش نوشته: «اکنون، زمانه مهدی(عج) است و من از امروز تا لحظه ظهور با او بیعت می کنم.»**

یکی از خرابکاری های استراتژیکی که ما داشتیم، این بوده که چون به تکلیف همیشگی مان عمل نمی کنیم و یک سری کارهایی را که باید در طی زمان انجام دهیم، انجام نمی دهیم، می خواهیم دوپینگی عمل کنیم و دوپینگ جواب نمی دهد. و اگر دو سه بار هم دوپینگ برای کسی جواب بدهد بعد از آن، بُنیه شما را آن‌قدر ضعیف می کند که یک نیروی ضعیف هم شما را شکست خواهد داد. کار فرهنگی اینگونه است که شما باید در طی زمان کارهایش را انجام بدهید؛ که وقتی که مثلاً قضیه غزه پیش می آید، تمام انرژی هایی که در جهان اسلام وجود دارد بداند چگونه باید بیاید در صحنه و تاثیرگذار باشد.

ما می آییم مدلی را طراحی می کنیم که ۹۹ درصد مردم نمی‌توانند آن را انجام دهند. مثلاً می رویم فرودگاه، می گوییم ما می‌خواهیم اعزام شویم به غزّه!

این چه الگو دادنی است؟! راهکارهایی ارائه نمی دهیم که اکثریت مردم بتوانند به همان میزانی که احساساتشان جریحه دار شده، وارد میدان شوند. می آییم حالت های «حدی» را مطرح می‌کنیم. به این ترتیب کلی از انرژی ها هرز می رود؛ یا مأیوس می شوند از اینکه بتوانندکاری بکنند. اگر این حرکت یک حرکت مثلاً سمبلیک است و قرار است ما یک استفاده «تبلیغاتی» از آن کنیم، خب پس راهکارهایش کجاست؟! ابزارهایش کجاست؟! محمل‌هایش کجایند؟! بعد شما می‌بینید که هزاران نفر/ساعت کار صورت می گیرد، کلی هزینه داده می شود، یک هفته مثلاً در فرودگاه می‌خوابند، چقدر نتیجه گیری می شود؟! درصورتی‌که طرف مقابل به‌خاطر اینکه سیستم تبلیغاتی و رسانه ای خاص خودش را دارد، یک دهم این هزینه می‌کند و ده برابرش نتیجه می گیرد!

اطلاعات ما راجع به جهان اسلام به شدت پایین است. اطلاعات ما راجع به محتوا خیلی کم است. اطلاعات تاریخی که اصلاً نداریم. سرزمین های۱۹۶۷ چی بوده؟ ۱۹۴۸چی بوده؟ جنگ ۶روزه چه بود؟ جنگ رمضان چه بود؟

اگر به بنده بگویند پنج دقیقه راجع به حزب الله یا حماس یا جهاد اسلامی حرف بزن، دقیقه سوم حرف کم می آورم!

مثلاً همین بحثی که اخیراً مطرح شد که اینها سنّی اند، که بماند، وهابی اند که بماند، ناصبی اند! درحالی‌که طراح همین موشک های گردان های عزالدین قسام کسی به نام "محمد نضال فرحات" است و وصیت نامه اش در سایت حماس هم هست. در وصیت نامه اش که ده بند است، در بند دهم نوشته «اکنون زمان، زمانه مهدی(عج) است و من از امروز تا لحظه ظهور با او بیعت می کنم.»

آقای فتحی شقاقی کلی جمله راجع به امام حسین(ع) دارد. شعرای برجسته فلسطینی مثل "سمیح القاسم" و "معین بسیسو" و... راجع به اباعبدالله(ع) شعر دارند. یعنی ماجرایی را که شما می‌توانستید با کمترین هزینه طی زمان جا بیندازید، به خاطر خلائی که ایجاد کردید، مشکل ساز شد.

با دو سه جمله وبلاگی موجی دروغین درست می شود که یکی از فرماندهان حماس گفته: «همان‌طورکه یزید بر حسین پیروز شد ما هم بر اسرائیل پیروز خواهیم شد!» عده ای انجمن حجتیه ای هم نشسته اند که به اشاره ارباب های انگلیسی شان به این دروغ‌ها ضریب بدهند. کوچک‌ترین و ابتدایی ترین کارهایی را که می توانستیم در قضیه فلسطین انجام بدهیم، انجام نداده ایم. باید عناصر و آثار و مراکز بیداری اسلامی در کشورهای مختلف را بشناسیم. هر حرکتی در جهت پر کردن این گسل ها باشد مفید است و تا نتوانیم این گسل‌های عمیق بین مراکز و عناصر بیداری را در جهان اسلام پر کنیم، مطمئن باشید اتفاقی نخواهد افتاد.

امام خمینی استراتژی اش درباره صهیونیسم چه بود؟ می گفت هر کسی یک سطل آب بریزد. شما باید این استراتژی را منتقل کنید. باید به این راهبرد برسید که ما می خواهیم یک کاری کنیم که هر مسلمانی در هفته نیم ساعت برای فلسطین وقت بگذارد و هزار راهکار داشته باشد. هرکس، هر توانی که دارد. از یک بچه پنج ساله ، شما باید طرح برایش داشته باشید، که مثلاً بیا برای غزه نقاشی بکش تا وزیر ارشادش، تا کارگردان سینما و ... .

همین استراتژی سطل آب. امام(ره) خیلی جمله استراتژیک و حکیمانه ای گفته اند؛ با همین یک جمله، هم دشمن را تحقیر کرده‌اند، هم روش داده اند، هم مزیت نسبی مسلمان ها را یادآوری کرده اند و قدرت مسلمین را نشان داده اند.

مثلاً من یک معلم دبستان هستم در سودان، چه کار می توانم برای حمایت از غزه بکنم؟ باید برای او هم طرح داشته باشید. مثلاً تو برو برای بچه های کلاست مسابقه نقاشی غزه برگزار کن؛ تو هم در مالزی این کار را بکن، تو هم در فیلیپین، تو هم در کانادا. نتیجه اش را هم

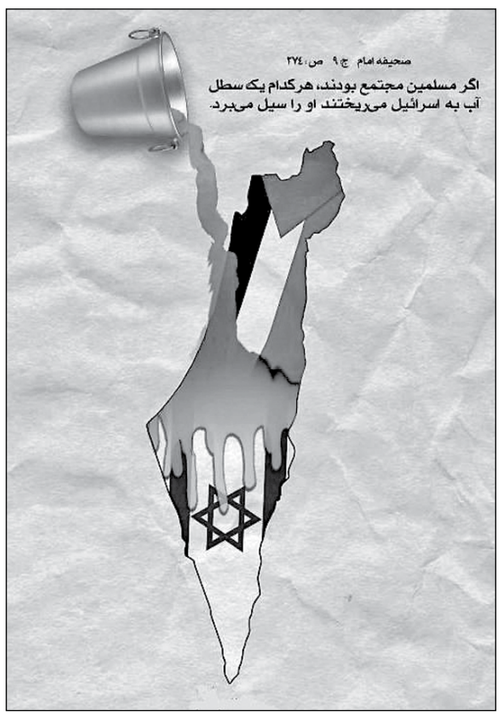

*** شمایی که می گویی «نسته» اسرائیلی است، خب دانشجوهای صنایع غذایی، بیایند بگویند ما یک چیزی می سازیم که همه خواص آن را داشته باشد. اسرائیلی هم نباشد. آقا ما انرژی هسته ای را ساختیم، این را چطور نمی‌توانیم بسازیم؟!**

بیاورید در این سایت. این مثلاً یک موج است، ولی همه باید شریک بشوند. کارهای کوچک و عملی و هدفمند و مستمر تعریف بشود.

هر کس در دانشگاه، هر جا هست، باید به تناسب کار خودش، کار بکند. ما نباید مبارزه با اسرائیل را از زندگی عادی جدا کنیم.

مثلاً دانشجوهای فنی بروند توی خط این که خط تولید موشک‌های دست ساز طراحی کنند، که اگر این ها می خواهند جلوی قاچاق سلاح به غزه را بگیرند، ما مثلاً به یک تکنولوژی نظامی پرتابل برای گروه های پارتیزانی چریکی برسیم. از بچه های برق و الکترونیک هم بیایند در حوزه جنگ الکترونیک کار کنند. جواب می‌دهد این کارها. چند تا بچه های شیمی و متالورژی هم بیایند بگویند آقا ما می خواهیم یک چیزی بسازیم که حتی اگر شصت سال دیگر هم محاصره غزه طول بکشد، اینها با مثلاً پودر رختشویی هم بتوانند موشک درست کنند!

شمایی که می گویی «نسته» اسرائیلی است، خب دانشجوهای صنایع غذایی، بیایند بگویند ما یک چیزی می سازیم که همه خواص آن را داشته باشد. اسرائیلی هم نباشد. آقا ما انرژی هسته ای را ساختیم، این را چطور نمی توانیم بسازیم؟! خب این ها مسخره است دیگر! حتی موبایلش. این هم موضوع خوبی است. خودکفایی از صنایعی که به صهیونیسم وابسته اند. همین را جشنواره کنید. فراخوان بدهید، به بحث بگذارید. هر کس در رشته خودش پیشنهاد کند. بنده رشته‌ام شیمی است، می روم یک چیزی اختراع می کنم که مثلاً بمب فسفری را خنثی کند. یا مثلاً یک دفعه اعلام بشود دویست پایان نامه دانشجویی در دانشکده های فنی و پزشکی و علوم انسانی ایران برای پاسخگویی به نیازهای واقعی بحران غزه دارد انجام می شود یا عناوینش تصویب شده. خود این ها الگو می دهد. خبرش بلافاصله گسترش پیدا می کند. این ها جنبش نرم افزاری هم هست. جنبش نرم افزاری که فقط حرف های صد من یک غاز و قلمبه سلمبه راجع به سنت و مدرنیته نیست!

از این ها گرفته تا اینکه برای دانشجوی زبان اسپانیولی هم طرح داشته باشیم که تو هم این کارها را می توانی بکنی: یک وبلاگ اسپانیولی اینطوری بساز، این ها را بگذار داخلش، برو توی این وبلاگ‌های اسپانیولی کامنت بگذار و ...؛ ولی متأسفانه همه می خواهند یک کار خیلی غول آسا و عظیمی بکنند که هیچ‌کس آن کار را هم نمی‌کند! یک کاری می خواهیم بکنیم که کارستان باشد. درحالی که کار کارستان همین است، هر کس یک سطل آب بریزد.

به جای این که از بالا یک حرکتی بیاید، همه را سازماندهی کند، یک حرکت از پایین به بالا باید شکل بگیرد. هر کس بر مبنای مزیّت نسبی که دارد، و امکاناتی که در اختیارش هست، یک کاری را شروع کند.

«فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره»؛ ترازوی زندگی انقلابی، ترازوی دیجیتال است. جالب اینجاست که ما همه مان آدم های باسکول ایم! کمتر از باسکول، اصلاً در مرام‌مان نیست. باید مثلاً یک کاری انجام بدهیم که ده تُن وزنش باشد. مثقالی حاضر نیستیم. نگاه قرآنی، نگاه مثقالی است. شما مثقالی کار کنید، خلوص هم داشته باشید، این جواب می دهد. ما می گوییم: حالا من بروم توی یک وبلاگ کامنت بگذارم؟ یعنی چی! که چه بشود!

ما می خواهیم برای خدا کار کنیم، ولی به روش های مهندسی! با محاسبات مادی و عادی. ما می گوییم: جهاد! خب جهاد، اصلِ اولش ایمان به غیب است. ما می گوییم یک کاری باشد که از بای بسم الله تا نون پایان، همه اش را ما محاسبه کرده باشیم. این که شد تفکر مادی! پس ایمان کجاست؟ توکل کجاست؟ اخلاص جایگاهش کجاست؟ اگر آرمان هایمان از آن جنس است، روشِ هایمان هم باید آن جنسی باشد. روش ها کاملاً پروژه ای شده، کاملاً مهندسی. محاسبه می کنیم که اگر این کار را کنیم، آن اتفاق خواهد افتاد. جالب اینکه محاسباتمان هم، باز جواب نمی دهد!

شما دانشجویان و دانشگاهیان باید یقه وزارت خارجه را بگیرید. از این ها اطلاعات بگیرید. در فلسطین چه خبر است؟! اسرائیل چه نیت شومی در سر دارد؟! در ترکیه چه می گذرد؟! اوضاع سوریه چیست؟! پادشاه اردن چه می کند؟! ملک عبدالله چه می کند؟! قطر چه کاره است؟! تحولات مصر به کدام سو می رود؟!

بعضی موقع ها شاید شما بتوانید یک لیستی فراهم کنید از مثلاً روشنفکرها و رسانه هایی که در کشور های مختلف اسلامی در ماجرای غزه عملکرد خوبی داشته اند. بروید از کل این ها تجلیل کنید. این ها خودش فضاسازی می کند. در لبنان، این آقای "طلال سلمان"، یک نفره ایستاده و در مقابل همه رسانه های مشهور جهان عرب شمشیر می زند. یکی این و یکی "فهمی هویدی" که مواضع نزدیک به حماس و حزب الله دارد. یک «دستتان درد نکند» به این ها بگویید. به آقای طلال سلمان بگویید ما مثلاً یک بزرگداشت «هفته طلال سلمان» در دانشگاه مان برگزار کردیم؛ چندتا از مقاله هایت را به مردم دادیم، عکست را زدیم همه دیدند. اما حتی نمی گویم دعوتش کنید که نکند خدای نکرده برایمان خرج داشته باشد!

تا جایی که می توانید خودتان کار کنید. تا جایی هم که می‌توانید خط بدهید تا تشکل های هم تراز شما کار کنند.

اگر در توان شما نیست، مطالبه کنید. از هنرمندها، از رسانه ملی، از مدیران فرهنگی. مطالبه جدی کنید. چرا بیست سال است در جمهوری اسلامی فیلم راجع به فلسطین ساخته نشده؟! کارهایی که بدنه فرهنگی دولت کرده چه بوده؟ وزارت ارشاد چه کار می کند؟ سازمان فرهنگ و ارتباطات چه می کند؟ آقای مسئول! چکار کردی برای مسأله فلسطین؟!

دانشگاه در جبهه - ۷۵

دانشجوی شهید مهرداد ریاضی تهرانی

شهید «مهرداد ریاضی تهرانی» در دوم فروردین سال ۱۳۴۵ در شهر مقدس مشهد دیده به جهان گشود .

در سال ۱۳۶۴ در کنکور سراسری شرکت کرد و در رشته علوم تربیتی دانشگاه تهران قبول شد. وی به امام خمینی(ره) علاقه خاصی داشت و همیشه سفارش می کرد که از ولی فقیه پیروی کنید و فرامینش را آویزه گوش نمایید. او در دوران راهنمایی و دبیرستان بعد از پیروزی انقلاب به عضویت بسیج درآمد و بیشتر در گشت های نگهبانی شرکت می کرد.

وی سرانجام در نیمه شب دوازدهم اسفند ماه ۱۳۶۵ بر اثر اصابت ترکش خمپاره در منطقه عملیاتی شلمچه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

در بخش هایی از وصیت نامه شهید دانشجو «مهرداد ریاضی تهرانی» آمده است:

از همه دوستان و آشنایان درخواست دارم که خدا را فراموش نکنید و عمل به دستورات اسلامی از جمله حفظ حجاب و احتکار نکردن و کار ملت را راه انداختن را در دستور کار خویش قرار دهید.

نماز بخوانید خصوصاً به جماعت و در نماز جمعه ها شرکت کنید تا اینکه از دنیای خارج و داخل به طور صحیح مطلع شوید. ای کسی که تمام عمرت را تا به حال در انجام حداقل واجبات نبوده ای فکر می کنی خداوند همه را خواهد بخشید از خواب غفلت بیرون بیا و به خودت فکر کن و بدان خداوند داناتر از این است که تو فکر می کنی و به هر کس بنا به اعمالش پاداش می دهد پس بیا بعد از این عهد کنیم که ان شاء الله کارهایمان و روابطمان با دیگران و اعمال و رفتارمان در خفا و آشکار و ظاهر و پنهان یکی باشد و همه را برای خدا دوست داشته باشیم و غیبت نکنیم.

از اینکه از مال دنیا چیزی ندارم خوشحالم. چند جلد کتاب دارم که به دانشگاه خودم هدیه می کنم و مقداری پول دارم که از شما می خواهم به حساب ۱۰۰ امام(ره) بریزید و در آخر از همه کسانی که مرا می شناسند به اسم یا حتی قیافه و یا حتی نمی شناسند و از من کوتاهی دیده اند عاجزانه می خواهم از این حقیر درگذرند و مرا حلالم کنند.

تأسف آیت‌الله مکارم از بخشنامه دانشگاه‌آزاد

آیت‌الله مکارم‌شیرازی در پاسخ به استفتایی نظر خود را درباره بخشنامه اخیر حراست دانشگاه آزاد اعلام کرد.

متن پرسش و پاسخ از این مرجع عالیقدر تقلید به شرح زیر است:

«پرسش) نظر حضرتعالی در مورد بخشنامه اخیر حراست دانشگاه آزاد در مورد مساله حجاب و پوشش چیست؟

پاسخ) بخشنامه مزبور در تمام محافل مذهبی و اخلاقی با تأسف و انکار روبرو شد؛ بخصوص اینکه در تضاد با وظایف حراست و امر به معروف و نهی‌ازمنکر می‌باشد و این بخشنامه اثر نامطلوبی درباره دانشگاه آزاد اسلامی در اذهان گذاشته است.»

لازم به ذکر است طی هفته های گذشته، حراست مرکزی دانشگاه آزاد با صدور بخشنامه ای، هرگونه برخورد و مداخله، ولو در حد تذکرات لسانی(!) پیرامون مظاهر بدپوششی و بی حجابی در سطح دانشگاه های آزاد کشور را ممنوع دانسته بود!

افطاری دانشگاهی با طعم فتنه!

اوایل هفته جاری بود که خبر ضیافت افطاری دانشجویان و جوانان حزب کارگزاران با حضور تنی چند از اصلاح‌طلبان تندرو و برخی محکومان فتنه ۸۸ در سالن اساتید دانشگاه تهران، از سوی خبرگزاری تسنیم مخابره شد.

جالب آنکه در این مراسم برخی اعضای شورای مرکزی حزب کارگزاران و جمعی از دگراندیشان از جمله فائزه و محسن هاشمی‌رفسنجانی، محمد عطریانفر، علی جمالی، حسین مرعشی، شهاب‌الدین طباطبایی، فخرالسادات محتشمی‌پور (همسر مصطفی تاجزاده)، سیدعلی سیاسی‌راد، سعید الله بداشتی، احسان مازندرانی (مدیرمسئول روزنامه فرهیختگان وابسته به دانشگاه آزاد)، نورمحمدی (از فعالان ستادی فتنه ۸۸) و تنی دیگر از فعالان سیاسی حضور داشتند!

برگزاری میتینگ های سیاسی طیف تجدیدنظرطلب در فضاهای دانشجویی درحالی رخ می دهد که مجلسیان پیش‌تر در موضوع استیضاح فرجی دانا، نسبت به تبدیل شدن دانشگاه‌ها به باشگاه‌های سیاسی هشدار داده‌اند؛ اما گویا گوشی برای شنیدن دغدغه های به حق نمایندگان ملت در وزارت علوم وجود ندارد!

تشت رسوایی وزارت علوم از بام افتاده است!

سید امیر حسین قاضی‌زاده، نماینده مردم مشهد و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی، اخیراً در گفت و گو با فارس و در پاسخ به این سوال خبرنگاری که از او پرسیده بود؛ "علیرغم عملکرد چالش برانگیز وزارت علوم، نظر شما درباره موضع حمایتی سخنگوی دولت از شخص رضا فرجی دانا چیست؟"، گفت: ما نسبت به موضع دولت و نوبخت به عنوان سخنگوی دولت در مورد فعالیت‌های وزارت علوم منتقدیم چراکه زمانی تشت رسوایی وزارت علوم از بام افتاده، حمایت دولت در این مورد نظیر برخوردی که دولت در مورد وزیر ارشاد صورت گرفت، بود.

وی در ادامه با انتقاد شدید از عملکرد ۹ ماهه وزیر علوم دولت اعتدال، اظهار نمود: به جای اینکه فرجی‌دانا وجهه همت خود را در مسیر توسعه علم و فناوری قرار دهد، دانشگاه را به باشگاه سیاسی تبدیل کرده است، تمام دلسوزان نظام در این مورد تذکر دادند، حالا حتما باید اتفاقی مثل ۱۸ تیر ۷۸ بیفتد؟! بخشی از عناصر موثر در فتنه ۷۸ و ۸۸ جزو مسئولان تصمیم گیر در وزارت علوم هستند؛ آیا این صحیح است؟!

اُف بر این سازمان به اصطلاح ملل!

بسیج دانشجویی ۳۵ دانشگاه کشور با صدور نامه‌ای خطاب به بان‌کی‌مون دبیرکل سازمان ملل متحد اعلام کردند: برای یک بار سازمان ملل به دور از نفوذ آمریکا صدای مظلومان غزه را بشنود و آزادانه در این مورد تصمیم‌گیری کند.

در بندهایی از این بیانیه اعتراضی چنین آمده است:

چند روزی است که بار دیگر کودکان و زنان مظلوم غزه مورد حملات ددمنشانه رژیم غاصب صهیونیستی قرار گرفته‌اند و این در حالی است که مدعیان حقوق بشر چشم‌های خود را بر روی جنایات وحشیانه این رژیم غاصب بسته‌اند و لحظه‌ای دست از حمایت بر نمی‌دارند.

اما حال این سوال در اذهان مردم دنیا متبادر است که ساختارهای جهانی که در جهت صلح جهانی ایجاد شده است، در کدام سمت از این وقایع قرار دارد؟ در کنار مظلوم یا ظالم؟ یاور کودکان در خون خفته است یا با مستان سلاح به دست نژاد پرست؟ به راستی چرا سکوت را پیشه ساخته‌اند و هیچ از مظلومیت مردم غزه نمی‌گویند؟ اگر حال سکوت پیشه کرده‌اند پس کجا قرار است تا به وظیفه خود عمل کنند؟

جناب آقای بان کی مون! ش